



دکتر هادی استگیا مقدم
پژوهشگر و محقق

حج گزاردن از زبان امام علی(ع)

امام علی^(ع) در پایان خطبه اول نهج البلاغه، با بیانی شیوا و کلامی نفز دربارہ حج به‌طور مختصر ولی بسیار پرمغز مطالبی را بیان فرموده‌اند که بازخوانی آن برای همه مسلمانانی که قصر سفر پرمعنویت و سراسر پرمزوراز حج را دارند، دارای فواید فراوان است که به‌فرازهایی از آن اشاره می‌کنیم. آن حضرت فرموده‌اند: «و فرض علیکم حج بینة الحرام، این جمله به وجوب حج برای مردم اشاره می‌کند و اینکه حج از ضروریات دین است. امام، بیت را با صفت حرام توصیف کرده‌اند؛ زیرا انجام چیزهایی که از نظر شرع نهی شده است، بر مردم در آن مکان حرام است و نیز فرمودند: «الذی جعله قبله للانام، آن حضرت به این آیه شریفه استناد کرده‌اند که: فَلْتَوَلَّيْكَ قَبْلَهُ نُرْضَاهُ فَوَلُّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ و حیث ما کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ»(البقره/۱۴۴). امیرالمؤمنین در جایی دیگر فرمودند: «برودنه ورود الانعام، مانند شتران تشنه‌آب به کعبه وارد می‌شوند، که با این جمله، ورود خلق را به کعبه، به ورود شتران تشنه‌به‌آب تشبیه کرده‌اند. وجه شبهات این است که ورود مردم به خانه‌کعبه با حرص و شوق و ازدحام، مانند ورود شتران تشنه بر آب است، نظر دیگری در وجه شبهات آن چیزی است که ما توضیح دادیم؛ یعنی بی‌اطلاعی مردم از اسرار حج و حکمت الهی که در اعمال حج، منظور شده است؛ چون عقل تنها چیزی است که انسان را از دیگر حیوانات ممتاز می‌کند و چون از دریافت اسرار حج ناتوان است، ممکن است میان انسان و مرکب سواری اش در وارد شدن به خانه و دیگر مناسک فرقی نباشد، اما به‌نظر (شارح) این تشبیه، دور و نادرست است. ایشان فرموده‌اند: «و یا لهون الیه ولوه الحمام»؛ مردم هرساله اشتیاق دارند که به مکه بروند، چنان‌که کبوتران ساکن حرم، بدان مکان انس دارند و در ادامه فرمودند: «جعلہ سبحانہ علامه لتواضعهم لعظمتہ و اذعانهم لعزّته، و چون عقل، قادر نیست اسرار این اعمال را دریابد، به‌ناچار علت انجام اعمال حج فقط امر خداوند متعال و قصد امتثال فرمان اوست، از آن نظر که پیروی امر خدا واجب است که نهایت بندگی و فرمانبرداری را می‌رساند. پس آن که امر خدا را در اعمال حج اطاعت می‌کند بدون آنکه فلسفه آن را بداند، مخلصی است که بر او علامت مخلصان آشکار است و معتقدی است که تواضع او برای جلال و مرتبت پروردگار جهان، روشن است. چون خداوند سبحان بر غیب و شهادت، عالم است، نمی‌توان گفت حج علامتی است که خداوند به احوال بندگان خود از طاعت و معصیت آگاه می‌شود، بنابراین معنای جمله و عبارت به جدا شدن نفوس کامل یعنی کسانی که مطیع اوامر خدا هستند و خالصانه او را می‌پرستند، از دیگر نفوس بازمی‌گردد؛ زیرا این عبادت از گرمای ترین چیزهایی است که نفس انسانی به وسیله آن استعداد می‌یابد و دارای کمال می‌شود که با آن استعداد و کمال، از افراد نافرمان مشخص می‌شود. با توضیح فوق روشن می‌شود که انجام حج، نشانه‌ای است که فرمانبرداران از نافرمانان جدا می‌شوند. در فراز دیگری امام فرمودند: «و صدقوا کلمته».

این جمله به مطابقت افعال حاجیان با گفتار انبیا و سخن خدا و مخالفت نکردن با دستورهای انبیا و خدا و تکذیب نکردن آن‌ها اشاره می‌کند و وقتی فرمودند: «و وقفوا مواقف الانبیاء» اشاره‌ای است به متابعت مردم از انبیا در مواقف حج. ذکر انبیا در اینجا، ایجاد لطافتی در سرشت مردم است تا به لقای خدا شوق یابند و به فرشتگان و انبیا شباهت پیدا کنند. «و تشبهوا بملائکته المطیفین بعرشه»؛ یعنی چون بیت معمور در مقابل خانه‌کعبه در آسمان است و طواف کعبه به وسیله مردم، شبیه طواف فرشتگان است به بیت معمور و عرش؛ به این دلیل حاجیان در طواف به فرشتگان، شباهت پیدا می‌کنند و درنتیجه هرکه در این طواف، عنایت خدا شامل حالش شود، از طواف کنندگان عرش و بیت معمور محسوب می‌شود. امام علی^(ع) با بیان «و جعله سبحانہ للاسلام علما، تأکید می‌کنند که خداوند حج را برای اسلام، علم و پرچم قرار داده است، یعنی اسلام حقیقی که مردم با آن هدایت می‌یابند، آن چنان که سپاهیان به وسیله پرچم برافراشته به مقصدشان راهنمایی می‌شوند. امام در فرازهایی مختصر که به‌ایجاز در اینجا بیان شد، درواقع فلسفه حج را بیان فرموده‌اند که اگر هر مسافر به حج آن را در نیت داشته باشد و در حین اعمال حج بدان آگاه باشد، این‌شاء... مشمول فرمایش‌های حضرت خواهد بود.

احکام احرام و محرم

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرمای می‌توانید پرسش‌های خود را به‌شماره پیامک ۰۷۲۸۹-۳۰۰ با ما در میان بگذارید.

احرام و پوشیدن لباس احرام، اولین عمل از اعمال حج و عمره است که با نیت کردن و گفتن تلبیه محقق می‌شود. احرام از میقات‌های خاصی آغاز می‌شود. این عمل، از ارکان حج و عمره است. فردی را که درحال احرام است، مُحَرَّم می‌گویند. فرد محرم احکام خاصی دارد، مانند اینکه انجام برخی اعمال در مدت احرام، بروی حرام می‌شود و به برخی اعمال توصیه می‌شود که یا واجب هستند یا مستحب. در ادامه از نظر برخی مراجع تقلید، این احکام را برمی‌شماریم.

بنا به آنچه در بعضی روایات آمده است، احرام پیشینه‌ای به قدمت بنای کعبه و حج دارد. در حدیثی آمده است که خداوند هیچ فرشته‌ای را به زمین نمی‌فرستد، مگر آنکه او را به زیارت کعبه فرمان می‌دهد و آن فرشته از کنار عرش الهی احرام بسته، لبیک‌گویان به‌سوی کعبه فرود می‌آید. برپایه حدیثی از امام صادق^(ع)، پس از توبه آدم^(ع) جبرئیل، احرام و تلبیه را به او آموخت و به وی فرمان داد که برای اعمال حج غسل کند و احرام ببندد.

● واجبات احرام

● آیت...العظمی مکرم شیرازی

واجبات احرام سه چیز است: پوشیدن لباس احرام، نیت و گفتن لبیک .

محرمات احرام: هنگامی که انسان محرم می‌شود، کارهای زیر بر او حرام می‌شود و بعضی دارای کفارہ است، البته به عقیده ما، بعضی از آن‌ها مکروه است. این کارها به ترتیب زیر است:

۱. پوشیدن لباس دوخته (برای مردان). ۲. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند (برای مردان). ۳. پوشانیدن سر (برای مردان). ۴. پوشانیدن صورت (برای زنان). ۵. زینت کردن برای همه. ۶. سرمه کشیدن. ۷. نگاه کردن در آینه. ۸. استعمال بوی خوش. ۹. مالیدن کرم و روغن به بدن. ۱۰. ناخن گرفتن. ۱۱. زیر سایه رفتن در حال سفر (برای مردان). ۱۲. زائل کردن مواز بدن. ۱۳. عقد ازدواج. ۱۴. نگاه به همسر از روی شهوت. ۱۵. لمس کردن. ۱۶. بوسیدن. ۱۷. روابط زناشویی. ۱۸. استمنای کردن. ۱۹. کشتن حشرات. ۲۰. بیرون آوردن خون از بدن. ۲۱. کشیدن دندان. ۲۲. مجادله کردن. ۲۳. دروغ گفتن. ۲۴. صید حیوانات صحرایی. ۲۵. حمل سلاح.

● مستحبات احرام

برپایه مجموع دیدگاه‌های آیات عظام و مراجع تقلید، فردی که قصد دارد احرام ببندد، مستحب است قبل از آن، این کارها را انجام دهد:

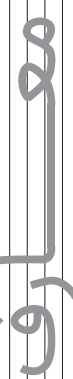
پاکیزه کردن بدن.

چیدن ناخن.

کوتاه کردن موی سبیل.

موهای زائد.

کسی که قصد حج دارد، از اول ماه ذی‌القدّه و شخصی که قصد عمره مفرده دارد، از یک‌ماه پیش از آن، موی سر و ریش خود را کوتاه‌نکند. مستحب است حج گزار، غسل کند و پس از ادای فریضه، به‌ویژه نماز ظهر یا حتی پس از نافلة، احرام ببندد؛ اگرچه برخی فقیهان، غسل را از واجبات احرام شمرده‌اند.



آشنایی با توصیه های آیات و روایات در روابط اجتماعی

نجات در برادری است

حمیده‌ذاکری | بسیاری از کارشناسان دین بر این عقیده صحه می‌گذارند که اسلام، دینی انسان‌محور است و بر این اساس و با توجه به ویژگی‌های انسان، تعلیم و توصیه‌هایش را برای رشد بشر، زندگی مطلوب دنیایی و سعادت اخروی صادر کرده است. یکی از ابعاد پررنگ زندگی بشر که بر زندگی دنیایی و سعادت اخروی آن اثر می‌گذارد، اجتماعی بودن انسان و بعد زندگی اجتماعی اوست. بر این اساس، دین اسلام منبعی غنی از آموزه‌ها و تعلیم مترقی برای زندگی مطلوب اجتماعی است. برای اطلاع از این تعلیم و آموزه‌ها کافی است با آیات و روایات آشنایی داشته باشیم. از جمله این آیات می‌توان به آیه ۹۰ سوره نحل اشاره کرد: «ان... یامر بالعدل والاحسان وایتاذی القربی و...». در ادامه برخی آموزه‌های مبتنی بر این آیه و سایر آیات و روایات را که چگونگی روابط اجتماعی روشن‌گرانه را به ما می‌شناسانند، مرور می‌کنیم.

خدمت‌رسانی

یاری رساندن به دیگران و رفع نیازهای برادران دینی مان، یکی از ارزش‌های مهم در تعلیم اجتماعی اسلام است، چنان که امام علی^(ع) در این باره به‌کمیل فرموده‌اند: «ای کمیل! به خانواده‌ات دستور ده در تحصیل مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی‌های شب به برآوردن حاجات مردم وضع گرفتارهای آنان بپردازند. سوگند به‌خدایی که جانم در دست اوست! هیچ شخصی بر دل انسان مؤمنی سرور و شادمانی وارد نمی‌کند مگر آنکه خدا از این عمل خیر، مایه لطفی می‌آفریند که در موقع نزول بلا و به‌هنگام گرفتاری، سریع‌تر از سیلاب در سراسیمگی به یاری اومی‌رسد و او را نجات می‌دهد، همچنین رسول خدا^(ص) فرموده‌اند: «مردم به‌منزله عیال خداوند هستند، دوست‌داشتنی‌ترین فرد در نزد خداوند، شخصی است که به مردم نفع برساند یا خانواده‌ای را خوشحال کند یا برای برادر مسلمانش به‌منظور برآوردن حاجتش قدمی بردارد. این عمل از اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام بهتر است».

همدلی

همدلی، مصادیق فراوانی دارد که در آیات و روایات ما نیز به آن پرداخته شده است. یکی از مصادیق همدلی، رفع غم و اندوه از یکدیگر است. امام صادق^(ع) در این باره می‌فرماید: «هر شخصی که غصه و اندوه قلب مؤمنی را برطرف کند، خداوند، اندوه آخرت را از او برطرف می‌کند و با دل خشنود و قلب مسرور از قبر برخواهد خاست و هر آن شخصی که مؤمن گرسنه‌ای را خوراک دهد، خداوند از میوه‌های بهشتی به او خواهد خوراند و هر شخصی، مؤمنی را با جرعه آبی سیراب کند، خدایش از رحیق مختوم (نوشیدنی گوارا) سیراب خواهد کرد»، (نشان ازبی‌نشان‌ها، ص ۳۳۸).

نوع دوستی

خداوند در قرآن مجید، همه اهل ایمان را برادر یکدیگر خوانده و به صلح و سازش با یکدیگر توصیه کرده است، چنان که در آیه ۱۰ سوره حجرات می‌خوانیم: «همه مؤمنان چه آنان که با یکدیگر درستیزند و چه غیر آنان، جز این نیستند که با یکدیگر برادرند، پس بر شما فرض است که میان دو گروه از برادرانتان که با یکدیگر درستیزند، صلح و سازش برقرار کنید و همگان تقوای الهی را پیشه کنید. باشد که مشمول رحمت قرار گیرید». به گفته کارشناسان، اینکه قرآن مؤمنان را برادر هم خوانده است، نشان دهنده حقوقی است که ما در مناسبات اجتماعی بر گردن یکدیگر داریم و بر ماست که با توجه به این امر به اصلاح امور در بین خود بپردازیم.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ

رعایت عدالت

رعایت عدل و عدالت یکی از توصیه‌های قرآن مجید در مناسبات اجتماعی است. معجزه پیامبر^(ص) در آیه‌های بی‌شماری، مسلمانان را به رعایت عدالت سفارش می‌کند، چنان که آیه ۲ سوره مائده، مسلمانان را حتی در تعامل با افرادی که کافر هستند باعداوتی در حق مسلمانان نشان داده‌اند، به‌عدالت توصیه کرده و هشدار داده است که نکند از مدار حق و عدالت خارج شویم. در این آیه می‌خوانیم: ای اهل ایمان! حرمت شعائر خدا و ماه حرام را نگه دارید و متعرض هدی و قلاتد (قربانیان حاجیان چه علامت دار و چه بدون علامت) نشوید و تعرض به زائران خانه محترم کعبه را که در طلب فضل خدا و خشنودی او آمده‌اند، حلال نشمارید و چون از احرام بیرون شدید (می‌توانید) صید کنید و عداوت گروهی که از مسجد الحرام منتعان کردند، شما را به ظلم و بی‌عدالتی و ادار نکند و باید به یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید، نه بر گناه و ستمکاری و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است».

امر به معروف و نهی از منکر

یکی از نمونه‌های تعاون و همدلی در عرصه اجتماع، امر به معروف و نهی از منکر است زیرا از نظر اسلام، سرنوشت جامعه و فرد با هم گره خورده است، از این رو دین اسلام برای دور ماندن جامعه از سقوط و تباهی، مؤمنان را به برقراری فریضه امر به معروف و نهی از منکر سفارش می‌کند. کسی که به این فریضه می‌پردازد، در حقیقت هم‌نوازش را در امر خیر یاری می‌رساند و از بدی بر حذر می‌دارد.

اتفاق

اصطلاح اتفاق در قرآن مجید به معنی بخشش مال یا چیزی دیگر به نیازمندان، برای کسب رضای خداست. قرآن کریم در آیات متعددی به اهمیت اتفاق در جامعه اسلامی اشاره و آن را توصیه کرده است، چنان که در سوره معارج، آیات ۲۴ و ۲۵ آمده است: «و آنان که در مال و دارایی خود حقی معین و معلوم گردانند برای افراد سائل و محروم»، در تفسیر این آیه از اصطلاح «حق معلوم، استفاده شده است. مراد سهمی است غیر از زکات که در راه خدا به دیگران بخشیده می‌شود. همچنین وقتی از امام صادق^(ع) درباره حق معلوم، سؤال شد، فرمودند: «این حق، غیر از زکات واجب است و مراد آن است که خداوند به انسان ثروتی داده و او بخشی از آن را جدا کرده است و با آن صلّه رحم می‌کند و مشقت را از خویشان خود برمی‌دارد»، (تفسیر نور الثقلین).